لا مـساس

**عباس مالیان**

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

**چکیده**

هبوط گرچه تنزل مرتبه و دوری از مبدأ بود، اما در مقام مقایسه در میان اعصار متمادی، نزدیک ترین وضعیت به نقطه جدایی شمرده می شود و چشم دل بشر در آن روزگار همچنان بر حقیقت گشوده بود. با گذشت زمان و دورشدن تدریجی از مبدأ، بشر نسبت به نقطه آغازین سفر طولانی خود دچار فراموشی شد و به انحطاط رسید. بر پایه سنت هندو، جهان چهار مرحله را پشت سر می گذارد و انسان در طی آن و در هر مرحله، به تدریج آگاهی های ناب معنوی و درک مستقیم خود از حقیقت را از دست می دهد. دوره چهارمکه ما هم اکنون در آن قرار داریم کالی یوگا است. کالی یوگا به معنی روزگار گناه است. ویژگی آن عصر، گسترش بدی و فراگیری گناه است. انسان مبدأ را فراموش می کند و گناهکار و پلید می شود. دروغ و دغل و ریا عادی می شود. بشر محیط زیست را آلوده می کند. خوراکی ها ناسالم می گردد. بلایای طبیعی و بیماری های بی سابقه شیوع می یابد. خانواده سست بنیان می گردد و فقر و گرفتاری دامنگیر مردم می شود. در این روزگار کفر، سرتاسر جهان را می گیرد. در عصر کالی یوگا، بشر به پایین ترین حد از درک معنوی و منحط ترین وضعیت فرهنگی و اجتماعی می رسد و به جز کالبد مادی درباره حقیقت عالم و حضرات خمسه الهیه دانشی ندارد. حقیقت و پاکی ناپدید و آیین های مقدس فراموش می شوند. کالی یوگا عصر تاریکی، انجماد عالم و نادانی بدخیم است. تجلی خداوند در این روزگار غایب می شود. در پایان کالی یوگا، منجی بزرگ کالکی پورانا شمشیر به دست و سوار بر اسب سفید ظهور می کند و روزگار سیاهی و تباهی را پایان می بخشد و دنیای فاسد شده را منحل می کند و سپس چرخه طلایی دیگری از روزگارهای خداوند آغاز خواهد شد. براساس سنت زرتشتی نیز دوره زندگی بشر در جهان دوازده هزار سال است که به چهار دوره سه هزارساله تقسیم می شود. هر یک از این دوره ها، از دوره بعدی متعالی تر و درخشان تر بوده است و در طول زمان به تدریج به انحطاط و پستی رسیده و هم اکنون در پست ترین موقعیت در چرخه پایانی قرار گرفته است. در سنت های یهودی و مسیحی نیز با شفافیت کامل، تباهی کامل جهان در پایان روزگار و کیفرهای رنگارنگ آسمانی و سپس ظهور نجاتبخش بیان شده است. در سنت اسلامی، محمد بن عبدالله صلوات الله علیه و اله آخرین پیامبر خداوند است و بشر هم اکنون در واپسین مرحله تاریخ قرار دارد. در این مرحله، دیندار ماندن مانند نگاه داشتن آتش در دست دشوار خواهد بود. منجی بزرگ از نسل پیامبر در زمانی که جهان پر از ستم و تباهی شود ظهور می کند و به کمک یاران خود، بساط ظلم و جور را برمی چیند و دنیایی آکنده از دوستی و نیکویی و زیبایی بنا می کند. وجه مشترک در همه سنت های دینی آسمانی، غلبه کفر و تسلط کافران در لحظات پایانی و پرشتاب آخر زمان است. شتاب و عجله و سرعت که از مؤلفه های اصلی جهان مدرن است، از خصوصیات اصلی اهریمن است که با طمأنینه و آرامش دشمنی دیرین دارد. از بین رفتن مفهوم زمان و مکان و برخط شدن همه انسان ها و یکسان شدن همه اندیشه ها و فروکاستن بشریت به پایین ترین درجه وجود مادی از ویژگی های پایان دور آخر چرخ روزگار است. درهمه این سنت ها، کیفرهایی نیز برای گناهکاری و فراموشکاری انسان بیان شده است. سامری در غیاب موسی علیه السلام با نفوذ نامشروع در قوای طبیعت، اقدام به تولید فناوری خارق العاده کرد و کالبدی ساخت که بانگ گاو از آن شینده می شد و با آن اختراع، قوم بنی اسرائیل که از نسل یعقوب پیامبر و مؤمن به خدا و فرستاده اش بودند را گمراه کرد و از عبادت خدا به بندگی گوساله ای کشاند. موسی علیه السلام به او فرمود: "کیفر تو این است که در زندگی این جهانی خود، همواره به دیگران بگویی "لا مساس" با من تماس نگیرید و به من نزدیک نشوید و در آن جهان هم دوزخ جایگاه حتمی تو خواهد بود. اکنون به این خدایت که به پرستش و خدمت او ایستاده ای بنگر که آن را در آتش می سوزانیم و خاکسترش را به آب دریا می دهیم." برای انسان که یک موجود اجتماعی است ممنوعیت رفت و آمد و اجازه نداشتن برای تماس با مردم و همنشینی با یکدیگر، یک شکنجه سخت و عذاب بزرگ است. اکنون که برای اولین بار در تاریخ بشر و در این ثانیه های پایانی ساعت دوازدهم جهان، همه مردم دنیا مشمول این عذاب واقع شده اند و هیچ راه فراری برای انسان نمانده است و با همه تکبر و تفرعنی که بشر مدرن دارد در مقابل ویروس کورونا که مأمور نامرئی خدا است که از شدت ریزی حتی به چشم دیده نمی شود به زانو درآمده حاکی از تحقق وعده های الهی است که سنت های تغییرناپذیر خود را در کتاب هایش به انسان فراموشکار یادآوری کرده است. فناوری های شگفت آور مدرن که منبعث از الحاد و فرزند نامشروع حاصل از زنای انسان و طبیعت است و به جای خدا پرستیده می شود همان است که خداوند در قرآن به آن اشاره فرموده است: "آنگاه که فراموش کردند چیزی را که به ایشان یادآور شده بودیم درهای همه چیز را به روی آنها گشودیم تا آنجا که به خاطر چیزی که به ایشان داده شد شاد و فریفته شدند و به ناگاه آنها را گرفتار کردیم و در آن هنگام خوار و نا امید شدند". برای اولین و آخرین بار در تاریخ بشریت است که کفر همه جهان را فرا گرفته و فسق و فجور از در و دیوار بالا می رود و جهان به بندگی فناوری درآمده و خدا یکسره فراموش شده است. پادافره چنین گناه بزرگ نابخشودنی آن است که همه مردم جهان بدون استثناء مشمول این کیفر آسمانی شوند که “لا مساس”. بدون شک اکثریت قریب به اتفاق مردم این زمانه گوساله پرست شده اند. گوساله البته همان طور که ابوعلی سینا فرموده نماد است و منظور ما از آن، فناوری و زرق و برق دنیای مدرن است که پر سر و صدا ولی پوچ است. از آنجا که بشر مدرن خرد که قوه تشخیص حق از باطل است را از دست داده است، دیگر توان درک حقیقت را ندارد و خود را به اهریمن می فروشد. فناوری امروز جایگاه خدا را در جهان گرفته و مردم را به پرستش خود واداشته است. همه کوشش ها و جنگ ها و خونریزی ها در واقع هیاهو برای هیچ است. خدای هر انسان همان کس یا همان چیزی است که همه وجودش را فرا گرفته باشد و دل در گرو او داده باشد. همانگونه که اختراع شگفت انگیز سامری که همه را مفتون جادوی خود کرده بود در مواجهه با حقیقت موسوی نیست و نابود شد، فناوری ملحدانه بشر مدرن نیز در هنگامه رویارویی با حقیقتی که توسط منجی آشکار خواهد شد بر باد خواهد رفت.

**کلید واژه ها:** پادافره، گناه، کفر، مدرنیزم، فرهنگ، سنت، کورونا.

1. **دیباچه**

بشر در پایان واپسین دور چرخ روزگار قرار گرفته است. هبوط گرچه تنزل مرتبه و دوری از مبدأ بود، اما در مقام مقایسه در میان اعصار متمادی، نزدیک ترین وضعیت به نقطه جدایی شمرده می شود و چشم دل بشر در آن روزگار همچنان بر حقیقت گشوده بود. با گذشت زمان و دورشدن تدریجی از مبدأ، بشر نسبت به نقطه آغازین سفر طولانی خود دچار فراموشی شد و به انحطاط رسید. بر پایه سنت هندو، جهان چهار مرحله را پشت سر می گذارد و انسان در طی آن و در هر مرحله، بخش مهمی از حقیقت را از دست می دهد و به جای بندگی حقیقت اسیر باطل می گردد و به تدریج آگاهی های ناب معنوی و درک مستقیم خود از حقیقت را از دست می دهد.

**دوره نخست** چرخه روزگار، ساتیا یوگا یا عصر طلائی است. در این روزگار، حقیقت متجلی و فضیلت حاکم است. گناه و زشتی کم و خوبی و زیبایی فراوان است. فقر، ترس، جنگ و بیماری وجود نداشت. در این عصر برآیند کلی بشریت و نسبت ثواب به گناه 19 به 1 است. در ساتیا یوگا هر انسان حدود صدهزار سال عمر می کرد.

**دوره دوم** چرخه روزگار بشر، ترتیا یوگا یا عصر نقره ای است که درآن جهان کم کم از خیرمطلق فاصله می گیرد، خوبی ها کم می شوند و بدی ها آغاز می گردند. کسب و کار و جنگ و درگیری شروع می شود. در این عصر برآیند کلی بشریت و نسبت ثواب به گناه 15 به 5 است. در ترتیا یوگا هر انسان حدود ده هزار سال عمر می کرد.

**دوره سوم** چرخه روزگار بشر، دواپارا یوگا یا عصر مسی است. در این روزگار، بشر گرفتار خودخواهی ها و هوس ها می شود و خلوص خود را از دست می دهد. بیماری ها فراگیر می شوند. انسان ها اندوهگین و افسرده می شوند و خونریزی و درگیری همه جا را فرا می گیرد. در این عصر برآیند کلی بشریت و نسبت ثواب به گناه 7 به 13 است. در دواپارا یوگا هر انسان حدود هزار سال عمر می کرد.

**دوره چهارم** که ما هم اکنون در آن قرار داریم کالی یوگا عصر آهنی است. آغاز کالی یوگا مصادف با کشته شدن کریشنا تجلی بزرگ خدا بوده است. کالی یوگا به معنی روزگار گناه است. ویژگی آن عصر، گسترش بدی و زشتی و فراگیری گناه و تباهی است. انسان مبدأ را فراموش می کند و گناهکار و پلید می شود. دروغ و دغل و ریا عادی می شود. بشر محیط زیست که ساخته مستقیم دست خدا است را آلوده می کند. خوراکی ها ناسالم می گردد. بلایای طبیعی و بیماری های بی سابقه شیوع می یابد. خانواده سست بنیان می گردد و فقر و گرفتاری دامنگیر مردم می شود. در این روزگار کفر، سرتاسر جهان را می گیرد و تجلی آن در شخصی نمادین به نام کالی است که می کوشد همه خوبی ها و زیبایی ها را نابود کند. در عصر کالی یوگا، بشر به پایین ترین حد از درک معنوی و منحط ترین وضعیت فرهنگی و اجتماعی می رسد و به جز کالبد مادی درباره حقیقت عالم و حضرات خمسه الهیه دانشی ندارد. حقیقت و پاکی ناپدید و آیین های مقدس فراموش می شوند. کالی یوگا عصر تاریکی، انجماد عالم و نادانی بدخیم است. تجلی خداوند در این روزگار غایب می شود. در این عصر برآیند کلی بشریت و نسبت ثواب به گناه 2 به 18 است. در کالی یوگا هر انسان حدود صدسال عمر می کند.

در پایان کالی یوگا، منجی بزرگ کالکی پورانا شمشیر به دست و سوار بر اسب سفید ظهور می کند و روزگار سیاهی و تباهی را پایان می بخشد و دنیای فاسد شده را منحل می کند و سپس چرخه طلایی دیگری از روزگارهای خداوند آغاز خواهد شد.

براساس سنت زرتشتی نیز دوره زندگی بشر در جهان دوازده هزار سال است که به چهار دوره سه هزارساله تقسیم می شود. هر یک از این دوره ها، از دوره بعدی متعالی تر و درخشان تر بوده است و در طول زمان به تدریج به انحطاط و پستی رسیده و هم اکنون در پست ترین موقعیت در چرخه پایانی قرار گرفته است.

در **دوره نخست**، همه چیز مینوی و نیکو است. آرامش و شادی بر جهان حاکم است. اهورامزدا پادشاه و اهریمن زندانی است.

در **دوره دوم**، اهورامزدا دست به کار آفرینش هفت فرشته برتر و شش تجلی بزرگ خود یعنی آسمان، زمین، آب، گیاهان، جانوران و انسان می زند.

در **دوره سوم**، اهریمن بیدار می شود و بشر را گمراه می کند. در این روزگار، کشمکش و درگیری و بدی و زشتی جهان را فرا می گیرد.

در **دوره چهارم** که بشر امروز در آخر آن قرار دارد، فرومایگان مسلط می شوند و پارسایان زیردست می گردند. مردم حریص، درغگو و پیمان شکن می شوند. قحطی، بیماری و جنگ امان از انسان می برد. محیط زیست آلوده و ناهنجار می شود به گونه ای که تفاوت زمستان و تابستان از میان می رود. زرتشت در آغاز دوره پایانی متولد شده است. در پایان دوره چهارم، منجی بزرگ سوشیانت ظهور می کند و به کمک یاران خود به فرمانروایی اهریمن پایان می دهد و روزگار طلایی جدیدی را آغاز می کند.

در سنت های یهودی و مسیحی نیز با شفافیت کامل، تباهی کامل جهان در پایان روزگار و کیفرهای رنگارنگ آسمانی و سپس ظهور نجاتبخش بیان شده است.

در سنت اسلامی، محمد بن عبدالله صلوات الله علیه و اله آخرین پیامبر خداوند است و بشر هم اکنون در واپسین مرحله تاریخ قرار دارد. در این مرحله، دیندار ماندن مانند نگاه داشتن آتش در دست دشوار خواهد بود. منجی بزرگ از نسل پیامبر در زمانی که جهان پر از ستم و تباهی شود ظهور می کند و به کمک یاران خود، بساط ظلم و جور را برمی چیند و دنیایی آکنده از دوستی و نیکویی و زیبایی بنا می کند.

1. **کـفر**

وجه مشترک در همه سنت های دینی آسمانی، غلبه کفر و تسلط کافران در لحظات پایانی و پرشتاب آخر زمان است. همانند دانه های آخر ساعت شنی که با سرعت سرسام آور و بدون هیچ امکان توقفی، فرو می افتند. شتاب و عجله و سرعت که از مؤلفه های اصلی جهان مدرن است، از خصوصیات اصلی اهریمن است که با طمأنینه و آرامش دشمنی دیرین دارد. از بین رفتن مفهوم زمان و مکان و برخط شدن همه انسان ها و یکسان شدن همه اندیشه ها و فروکاستن بشریت به پایین ترین درجه وجود مادی از ویژگی های پایان دور آخر چرخ روزگار است. درهمه این سنت ها، کیفرهایی نیز برای گناهکاری و فراموشکاری انسان بیان شده است. حکیمی فرمود: "اینکه حضرت رسول صلوات الله علیه و اله فرمودند ظهور پس از آن خواهد بود که جهان پر از ستم و تباهی شود، این موضوع در این زمان محقق شده است، به طوری که الآن یک وجب از زمین، خالی از ظلم و جور نیست".

1. **پادافره**

خداوند در قالب کلمات در این جهان تجلی می کند و اسباب نجات بشر را فراهم می سازد. این کلمات گاه در قالب بشر مانند عیسی مسیح علیه السلام و گاه در قالب کتاب مانند قرآن نازل می شوند. این کلمات سراسر خیر و برکت و رمز و راز اند و برای کسانی که چشم دلشان کور نباشد اسرار آسمان ها را آشکار می کنند و موجبات نجات را فراهم می سازند.

*ده فرمان موسی و زبور داوود*

*که عهد عتیق در آن نهفته است*

*و موعظه عیسی برفراز کوه*

*که یکی از زیباترین چیزهایی است که بشر می شناسد*

*و سپس سوره اخلاص در قرآن و ایمان به خدا*

*خدای یکتا اینچنین برای همه شاخه های بشریت*

*راهی برای نجات روح ها نشان داده است* (فریتیوف شوان)

یکی از این رازها، پادافره گناهان است. گناه در لغت به معنی دنباله است. در اصل، ذنب (گناه) لغتی معرب است که از واژه فارسی دُنب (دُم) وارد زبان عربی و قرآن شده است. از این ریشه شناسی لغوی در می یابیم که کیفر، جزء جدانشدنی گناه است و مانند دُم، همواره همراه گناهکار است.

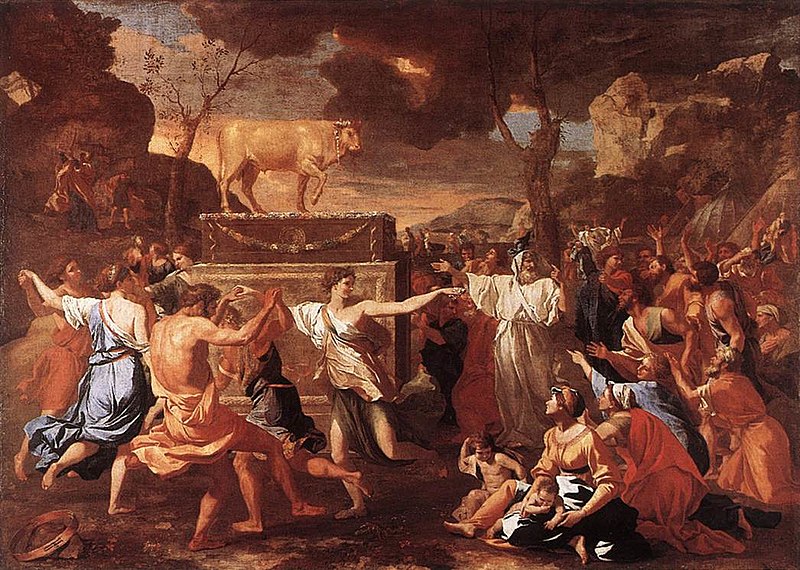
*کنون روز پادافره ایزدیست مکافات بد را ز یزدان بدیست* (فردوسی)

به عنوان نمونه، سامری در غیاب موسی علیه السلام با نفوذ نامشروع در قوای طبیعت، اقدام به تولید فناوری خارق العاده کرد و کالبدی ساخت که بانگ گاو از آن شینده می شد و با آن اختراع، قوم بنی اسرائیل که از نسل یعقوب پیامبر و مؤمن به خدا و فرستاده اش بودند را گمراه کرد و از عبادت خدا به بندگی گوساله ای کشاند. موسی علیه السلام به او فرمود: "کیفر تو این است که در زندگی این جهانی خود، همواره به دیگران بگویی "لا مساس" با من تماس نگیرید و به من نزدیک نشوید و در آن جهان هم دوزخ جایگاه حتمی تو خواهد بود. اکنون به این خدایت که به پرستش و خدمت او ایستاده ای بنگر که آن را در آتش می سوزانیم و خاکسترش را به آب دریا می دهیم". برای انسان که یک موجود اجتماعی است ممنوعیت رفت و آمد و اجازه نداشتن برای تماس با مردم و همنشینی با یکدیگر، یک شکنجه سخت و عذاب بزرگ است.

*چون سامری مباش که زر داد و از خری موسی نهاد و از پی گوساله می رود* (حافظ)

بشرمدرن به دلیل گسستن از مبدأ وجود و کور شدن چشم دل، فقط در سطح اشیاء جستجو می کند و توان درک عمق عالم وجود و باطن اشیاء را از دست داده است. بشر مدرن نمی تواند در میان جزئیات جهان و دانش های گوناگون، حقیقت کلی حاکم بر آن را تشخیص دهد. بشر مدرن در واقع یک کودن پیشرفته و فاقد قوه تفکر است.

*تفکر رفتن از باطل سوی حق به جزء اندر بدیدن کل مطلق* (شبستری)



پرستش گوساله سامری، اثر نیکلا پوسن، سال 1633، موزه لندن

اکنون که برای اولین بار در تاریخ بشر و در این ثانیه های پایانی ساعت دوازدهم جهان، همه مردم دنیا مشمول این عذاب واقع شده اند و هیچ راه فراری برای انسان نمانده است و با همه تکبر و تفرعنی که بشر مدرن دارد در مقابل ویروس کورونا که مأمور نامرئی خدا است که از شدت ریزی حتی به چشم دیده نمی شود به زانو درآمده حاکی از تحقق وعده های الهی است که سنت های تغییرناپذیر خود را در جای جای کتاب هایش به انسان فراموشکار یادآوری کرده است. فناوری های شگفت آور مدرن که منبعث از الحاد و فرزند نامشروع حاصل از زنای انسان و طبیعت است و به جای خدا پرستیده می شود همان است که خداوند در قرآن به آن اشاره فرموده است: "آنگاه که فراموش کردند چیزی را که به ایشان یادآور شده بودیم درهای همه چیز را به روی آنها گشودیم تا آنجا که به خاطر چیزی که به ایشان داده شد شاد و فریفته شدند و به ناگاه آنها را گرفتار کردیم و در آن هنگام خوار و نا امید شدند". برای اولین و آخرین بار در تاریخ بشریت است که کفر همه جهان را فرا گرفته و فسق و فجور از در و دیوار بالا می رود و جهان به بندگی فناوری درآمده و خدا یکسره فراموش شده است. پادافره چنین گناه بزرگ نابخشودنی آن است که همه مردم جهان بدون استثناء مشمول این کیفر آسمانی شوند که “لا مساس”.

1. **نتیجه گیری**

بدون شک اکثریت قریب به اتفاق مردم این زمانه گوساله پرست شده اند. گوساله البته همان طور که ابوعلی سینا فرموده نماد است و منظور ما از آن، فناوری و زرق و برق دنیای مدرن است که پر سر و صدا ولی پوچ است. از آنجا که بشر مدرن، خرد که قوه تشخیص حق از باطل است را از دست داده است، دیگر توان درک حقیقت را ندارد و خود را به اهریمن می فروشد:

*آینه دل صاف باید تا درو واشناسی صورت زشت از نکو*

*بانگ زد گوساله ای از جادویی سجده کردی که خدای من تویی*

*پیش گاوی سجده کردی از خری گشت عقلت صید سحر سامری* (مولوی)

فناوری امروز جایگاه خدا را در جهان گرفته و مردم را به پرستش خود واداشته است. همه کوشش ها و جنگ ها و خونریزی ها در واقع هیاهو برای هیچ است. خدای هر انسان، همان کس یا همان چیزی است که همه وجودش را فرا گرفته باشد و دل در گرو او داده باشد. همانگونه که اختراع شگفت انگیز سامری که همه را مفتون جادوی خود کرده بود در مواجهه با حقیقت موسوی نیست و نابود شد، فناوری ملحدانه بشر مدرن نیز در هنگامه رویارویی با حقیقتی که توسط منجی آشکار خواهد شد بر باد خواهد رفت. البته حتی در دشوارترین و تاریک ترین زمان های پایان روزگار نیز، دست مهربانی و جبرانگر خدا برای نجات آفریده ها دراز است و هرگز نباید ناامید بود.

*در زمانه ای که ایمان یکسره در حال ناپدیدشدن است*

*خدا کسانی را که همچنان با ایمان بمانند بی حساب می بخشاید*

*مانند مادری نگران که فرزندش را می بخشاید*

*در این روزگار سخت، نشانه ای خوب نیز وجود دارد:*

*رسیدن به خدا آسان تر است.* (فریتیوف شوان)

1. **منابع:**
2. بهگود گیتا، ترجمه محمدعلی موحد، 1398.
3. مهابهارات، ترجمه فرنوش اولاد، 1399.
4. سیطره کمیت و علائم آخرالزمان، رنه گنون، 1389.
5. مثنوی، جلال الدین محمد بلخی، 1399.
6. منطق و تعالی، فریتیوف شوان، 1398.
7. معرفت و امر قدسی، سیدحسین نصر، 1396.
8. گلشن حقیقت، سیدحسین نصر، 1388.
9. معرفت و معنویت، سیدحسین نصر، 1383.
10. علم جهان علم جان، تیتوس بورکهارت، 1398.
11. باورهای کهن و خرافه های نوین، مارتین لینگز، 1376.
12. المیزان فی تفسیر القرآن، سیدمحمدحسین طباطبایی، 1378.
13. کشف الأسرار و عده الأبرار، رشیدالدین میبدی، 1371.
14. بندهش، فرنبغ، 1395.
15. The Transfiguration of Man, Frithjof Schuon, 2003.

### [Form and Substance in the Religions, Frithjof Schuon, 2003.](https://www.amazon.com/Substance-Religions-Library-Perennial-Philosophy/dp/0941532259)

1. The Crisis of the Modern World, Rene Guenon, 2004.
2. The Rape of Man and Nature, Philip Sherrard, 2015.